

# کارکردها اجتماعی

آموزش و پرورش

دکتر احمد کلاه‌مال همدانی  
مدرس دانشگاه

اشاره

برده‌اند: تشکیل نهادهای خاص از ارادهٔ افراد و جامعه خارج است. این گونه نهادها الگوهای پیچیدهٔ معین، خاص، منظم و بادوامی دارند روابط و جریانهای اجتماعی را ایجاد می‌کنند و به نیازها و تمایلات انسانی پاسخ می‌دهند. مهم‌ترین این نهادها عبارت‌اند از آموزش و پرورش، خانواده، دین، حکومت، سیاست و اقتصاد. در معنای عام هم، به هر چیزی که ساخته و پرداخته و نهاده شده و مورد نیاز جامعه باشد، نهاد می‌گویند. بنابراین به همهٔ مؤسسات، سازمانها و مقررات اجتماعی که به نیازهای جسمی و روانی افراد پاسخ می‌دهند، «نهاد» گفته می‌شود.

از نهاد تعاریف مختلفی شده است. **مالینوفسکی** نهاد را عبارت می‌داند از اجزای واقعی که از دوام و استقلال قابل ملاحظه‌ای برخوردارند. **هنری پرات** نهاد را نمونه و الگوی رفتاری بادوام، پیچیده، منظم و جامعه‌ی می‌شناسد که از طریق آن، کنترل و نظارت اجتماعی صورت می‌گیرد و به وسیلهٔ آن، میلها و نیازمندیهای اساسی جامعه تأمین می‌شود.

در یک تعریف جامع و کلی، نهاد را عبارت دانسته‌اند از مجموعه‌ای انتزاعی از ارزشها، هنجارها و اعتقادات سازمان‌یافته که در جامعه به تصویب و تثبیت رسیده و دارای دوام، عمومیت، فناپذیری، پویایی، نظم و پیچیدگی است. رفتار جامعه را کنترل می‌کند و به وسیلهٔ آن، نیازمندیهای اساسی جامعه تأمین می‌شود.

با توجه به تعاریف ارائه شده می‌توان گفت: آموزش و

در این مقاله، نخست به اجتماعی شدن و نهادهای آن از دیدگاه مکانب مختلف و نقش نهاد آموزش و پرورش و مدارس در سطوح گوناگون خواهیم پرداخت. پس از آن نگاهی خواهیم داشت به اصول جامعه‌شناختی و به فلسفهٔ شناخت یا معرفت‌شناختی-اجتماعی برای بیان آن چه باید این نهاد به آن مجهز باشد تا بتواند به‌طور مؤثرتر و کارآمدتر نقش خود را به‌عنوان مهم‌ترین نهاد اجتماعی کننده ایفا کند. توجه به وظایف نهادهای اجتماعی کنندهٔ دیگر در جامعهٔ انسانی و وجوب هماهنگی با نهاد آموزش و پرورش و به‌خصوص نهاد مدرسه در اجتماعی کردن کودک به‌عنوان عضو جدیدالورود جامعه، بخش دیگری از این نوشتار را تشکیل خواهد داد.

مقدمه

آموزش و پرورش به‌عنوان یک «نهاد اجتماعی» مطرح است. اما مقصود از نهاد چیست؟ نهاد ترجمهٔ کلمهٔ فرانسوی-انگلیسی «institution» است که در زبان فارسی به معنای برقرار کردن، ساختن و ثابت کردن است. در برخی موارد این کلمه به معنای مؤسسه و سازمان نیز به‌کار گرفته می‌شود، اما این معنا با مفهوم مؤسساتی که به وسیلهٔ آنها کنترل اجتماعی صورت می‌گیرد، یکسان نیست و با آن تطابق کاملی ندارد؛ یعنی کاملاً با مفهوم نهاد انطباق ندارد.

جامعه‌شناسان نهاد را به دو معنای خاص و عام به‌کار

ویژه‌نامهٔ ضمن خدمت

رشد علوم اجتماعی دورهٔ ۱۵  
شمارهٔ ۱ پاییز ۱۳۹۰

۳۸



وامی گذارد، «فرهنگ» نام دارد. در نتیجه، برای تولید دوباره فرهنگ یا بازآفرینی فرهنگی، آموزش و پرورش رسمی ضرورت پیدا می‌کند.

## ۲. جامعه‌پذیر شدن افراد

جامعه‌پذیری به معنای هم‌سازی و هم‌نوایی فرد با ارزشها، هنجارها و نگرشهای گروهی و اجتماعی است. انتقال ارزشها، گرایشها، هنجارها و آداب و رسوم فرهنگی، به‌منظور اجتماعی کردن نسلهای جدید جامعه صورت می‌گیرد. اساس جامعه‌پذیری بر این واقعیت استوار است که انسان به‌صورت «شخص» زاده نمی‌شود، بلکه از طریق پرورش و آموزش اجتماعی به یک شخص تبدیل می‌شود.

## ۳. گزینش و تخصیص نیروی انسانی

هر جامعه‌ای به نیروی کار ماهر و متخصص نیاز دارد. تربیت حرفه‌ای و تخصصی افراد جامعه، یعنی آماده کردن آنان برای جذب به‌عنوان نیروی کار، بدین ترتیب، آموزش و پرورش نقش مهمی در گزینش و تخصیص افراد به مقامات و مشاغل اجتماعی ایفا می‌کند. نحوه عملکرد افراد در مدارس، طول مدت تحصیل و رشته تحصیلی، در تعیین شغل، درآمد و منزلت اجتماعی آینده آنان، تأثیر بسزایی دارند. از این‌رو، آموزش و پرورش رسمی، سهم مهمی در تسهیل تحرک اجتماعی افراد برعهده دارد.

پرورش یک نهاد اساسی اجتماعی است که با ارائه الگوهای رفتاری بادوام، پیچیده، منظم و جامع، بر رفتار جامعه نظارت و کنترل دارد. در واقع، این نهاد از ابزارهای مهم برای تحقق مقاصد و اهداف اجتماعی است. الگوهای رفتاری بادوام، پیچیده، منظم و جامع که بر رفتار جامعه نظارت و کنترل دارند، ارزشها را در نظام آموزشی به‌وجود می‌آورند. میزان توافق در زمینه ارزشها در نظامهای آموزشی متفاوت است. می‌دانیم که نظامهای آموزشی عمدتاً به سه گروه متمرکز، غیرمتمرکز و نیمه‌متمرکز تقسیم می‌شوند. برخلاف آنچه که در نظامهای متمرکز مشاهده می‌شود، در نظامهای غیرمتمرکز پاسخ‌گویی به نیازها و فشارهای گروهی و محلی مجاز شمرده شده است.

**کلیدواژه‌ها:** کارکردهای اجتماعی، آموزش و پرورش، اجتماعی شدن.

## کارکردهای آموزش و پرورش ۱. انتقال فرهنگ

فرهنگ، شاخص نحوه و روش زندگی است که هر جامعه برای رفع نیازهای اساسی خود از حیث دوام، بقا و انتظام امور اجتماعی اختیار می‌کند. به بیان دیگر، فرهنگ بر ابزارها، رسوم، معتقدات، علوم، هنرها و سازمانهای اجتماعی دلالت می‌کند. به عبارت دیگر، آنچه جامعه می‌آفریند و به انسانها

#### ۴. نظارت اجتماعی

آموزش و پرورش با ابقای ارزشهای وفاداری به نهادهای جامعه، به عنوان سازوکار کنترل اجتماعی عمل می‌کند. چون خودمداری فردی به منزله تهدیدی برای نظم اجتماعی به شمار می‌رود، آموزش و پرورش رسمی می‌تواند از طریق تربیت و آموزش اخلاقی، این تهدید را کاهش دهد. فرض بر این است که افراد با جذب و درونی کردن ارزشهای جامعه به کنترل خود می‌پردازند و حامی نظم اجتماعی می‌شوند.

#### ۵. یگانگی اجتماعی

آموزش و پرورش رسمی، وسیله مهمی برای تبدیل یک جامعه نامتجانس به جامعه‌ای یگانه و یکپارچه، از طریق توسعه و تقویت فرهنگ و هویت مشترک است. از این رو ظهور دولتهای ملی با ایجاد نظامهای آموزش و پرورش همگانی مقارن بوده است. نهادهای آموزشی، مخصوصاً در کشورهایی که مهاجرپذیر بوده‌اند، وظایف و مسئولیتهای خطیری در ایجاد یگانگی برعهده دارند.

#### ۶. نوآوری و تغییر

آموزش و پرورش می‌تواند منشأ تغییرات اجتماعی نیز باشد. هر

جامعه دستخوش تغییر و دگرگونی است. در اغلب جوامع، «تغییر» یا «پیشرفت» مرتبط تلقی می‌شود و از آموزش و پرورش انتظار می‌رود که جامعه را در نیل به پیشرفت یاری رساند. گسترش آموزش و پرورش و اهمیت یافتن دانش فنی و تخصصی در دوره‌های بازسازی و توسعه جامعه، می‌تواند به پیدایی نخبگان جدید، و در نتیجه، به تحول در سلسله‌مراتب قدرت و منزلت منجر شود.

#### ۷. پرورش و رشد شخصی

آموزش و پرورش رسمی، نگرشها، ارزشها، سازگاریهای ذهنی، رفتارها، و مهارتهایی در فرد ایجاد می‌کند که شاید در زمینه‌های اجتماعی دیگری غیر از مدرسه انجام‌پذیر نباشد. مدرسه را غالباً به عنوان جایگاه گذر از یک دنیای شخصی به دنیای غیر شخصی تلقی می‌کنند. در این میان، آموزش و پرورش رسمی نقش مهمی در زمینه پرورش ذهنی افراد برعهده دارد.

#### ۸. سرمایه‌گذاری انسانی

آموزش و پرورش کلیدی است که در راه سوی نوسازی جامعه می‌گشاید. در نیم‌قرن گذشته، پدیده مهم و فراگیر آموزش و پرورش از دیدگاههای علمی و تخصصی گوناگونی



در دانشگاهها مورد مطالعه قرار گرفته است. در این میان، یک تحول مهم در علم اقتصاد پدید آمده است که ارتباط ویژه‌ای با جامعه‌شناسی و آموزش و پرورش دارد و تحت عنوان رویکرد سرمایه‌انسانی یا سرمایه‌گذاری انسانی به آموزش و پرورش شهرت یافته است. این رویکرد، آموزش و پرورش را اساساً به منزله نوعی سرمایه‌گذاری از سوی جامعه و فرد تلقی می‌کند.

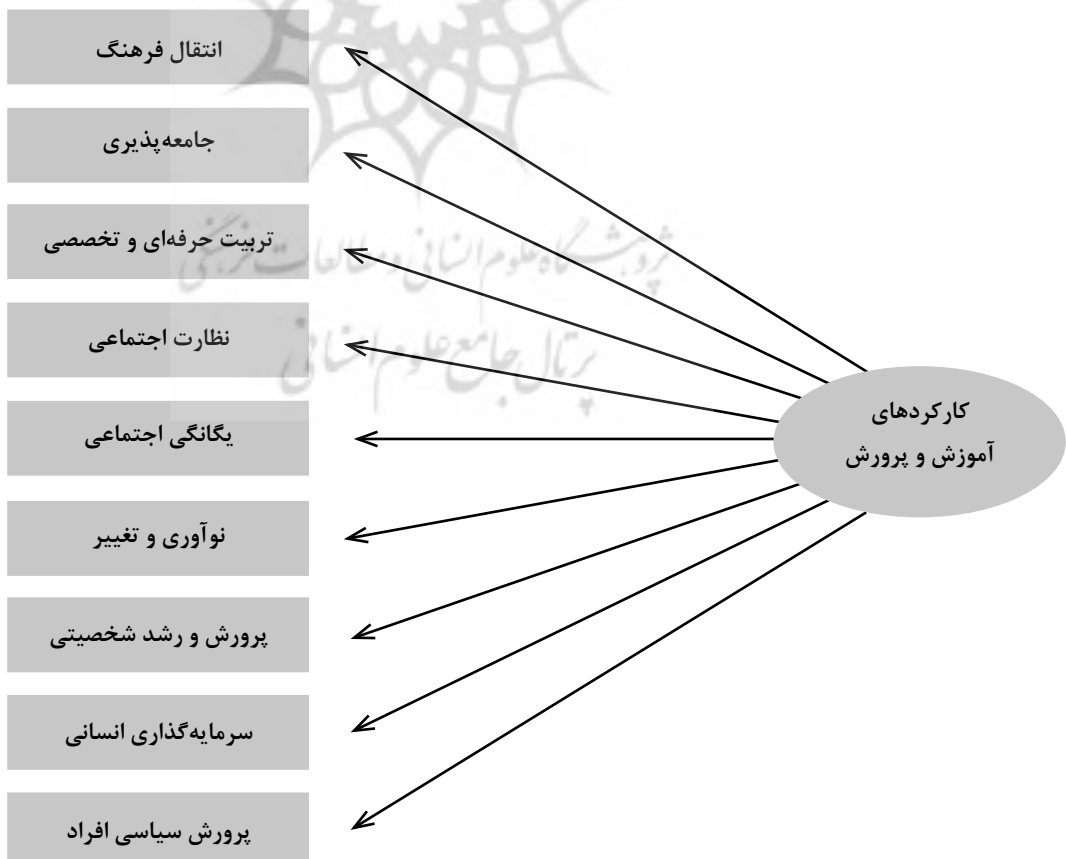
## ۹. پرورش سیاسی افراد

«پرورش سیاسی» فرایند القای فرهنگ سیاسی است. مفهوم پرورش سیاسی که در علوم سیاسی از اهمیت خاصی برخوردار است، به فرایندی اشاره دارد که از راه آن، افراد جامعه، نگرشها و احساسات مربوط به نظام سیاسی و نقش خود را در آن کسب می‌کند. نظام آموزش و پرورش یکی از کارگزاران مسئول فرایند پرورش سیاسی است. تربیت سیاسی از دوران طفولیت آغاز می‌شود و هر چند اثرات آن در سالیان اولیه زندگی افراد، به دلیل تأثیرپذیری زیاد در این سنین، قطعی‌تر است، با وجود این، در بزرگسالی نیز ادامه می‌یابد. آموزش و پرورش رسمی، چه آشکار و چه نهان، از طریق برنامه‌ها و کتب آموزشی خود، متضمن تحقق اهداف پرورشی است.

## آموزش و پرورش در جامعه جدید

با شکل‌گیری جوامع جدید، مفهوم آموزش و پرورش و کارکردهای آن دستخوش تغییر و دگرگونی شده است. نیازهای اجتماعی جدیدی که در سطح جامعه شکل می‌گیرند، فناوریهای جدید ارتباطات آموزشی، و... عامل اصلی این تغییرات و دگرگونی‌ها هستند و انواع نوین آموزش و پرورش را طلب می‌کنند. به تناسب این تغییرات، شیوه‌های زندگی از نسلی به نسل دیگر دگرگون می‌شوند و تجدید شکل و ساختار پیدا می‌کنند. ولی ساختارهای جدید، همواره با تجارب بیشتر و انگاره‌های پیچیده‌تری همراه هستند.

در جامعه پیچیده نوین، با گسترش شهرنشینی، توسعه صنعتی، و دگرگون شدن ساختارها و کارکردهای اساسی و اقتصادی، آموزش و پرورش به‌طور روزافزونی به‌صورت ابزار بازسازی فرد و جامعه درمی‌آید. در نتیجه، شهروندانی که خواستار اشتغال به کار و خدمت در جامعه و خواهان برخورداری از مزایای زندگی اجتماعی هستند، مجبورند سالیان نسبتاً قابل ملاحظه‌ای از عمر خود را در مراکز آموزش و پرورش رسمی بگذرانند تا بتوانند خود را با تغییرات جدید هم‌ساز و منطبق سازند. یعنی آموزشهای جدید نوعی انطباق‌پذیری را به‌وجود می‌آورند.





## اجتماعی شدن

در فرهنگ علوم اجتماعی، «اجتماعی شدن» یا «Socialization» را چنین توصیف می‌کند: \* مراد از اجتماعی شدن در روان‌شناسی اجتماعی

**مدرسه را غالباً به‌عنوان جایگاه گذر از یک دنیای شخصی به دنیای غیر شخصی تلقی می‌کنند. در این میان، آموزش و پرورش رسمی نقش مهمی در زمینه پرورش ذهنی افراد برعهده دارد**

فرایندی است که به وسیله آن فرد می‌آموزد که از طریق فراگرفتن رفتاری اجتماعی که مورد تأیید گروه باشد، خود را با آن گروه انطباق دهد.

\* اصطلاح اجتماعی شدن را در اصل روان‌شناسان اجتماعی، جامعه‌شناسان و پژوهندگان رشد کودک به‌کار برده‌اند: «همه کودکانی که استعدادهایشان... زیاد محدود نیست، در برهم‌کنش اجتماعی شرکت می‌جویند و سرانجام رفتارهای اجتماعی را کسب می‌کنند. فرایندی... که به اجتماعی شدن معروف است... در اصل فرایندی مربوط به یادگیری است.» در این تعریف که از نیوکم است، اجتماعی شدن فردی تا حدی با یادگیری اجتماعی مساوی انگاشته شده است. بنابر تعریفهای دیگر، مراد از اجتماعی شدن تقریباً آن یادگیری است که با تصویب گروهی سروکار دارد.

\* تفاوت‌های موجود در مفهوم اصطلاح اجتماعی شدن، تا حد سازوکارهایی که اجتماعی شدن از طریق آنها حاصل می‌شود نیز گسترده است. **تالکوت پارسونز** و **رف بیلز**، پس از یادآوری این نکته که «کانون اصلی فرایند اجتماعی شدن در فرایند نهادی شدن فرهنگ جامعه‌ای است که کودک در آن متولد می‌شود، اشاره می‌کنند که جنبه‌های قاطع فرهنگ برای این منظور الگوهای رزش جامعه‌اند و شرایط مؤثر برای اجتماعی شدن، «قرار گرفتن در وضعی اجتماعی است که خود اشخاص قدرتمندتر و مسئول‌تر در نظام ارزش فرهنگی مورد بحث در آن ادغام می‌شوند؛ هم از این لحاظ که همراه بچه‌ها نظام اجتماعی نهادی شده‌ای را تشکیل می‌دهند و هم از این نظر که الگوها قبلاً به شیوه‌ای مناسب در شخصیت خود آنها نهادی شده است.»

پارسونز و بیلز هم‌چنین عقیده دارند که اجتماعی شدن متضمن ایجاد تناوب در تفکیک و ادغام نقش‌هاست. از دیدگاه فرویدی- که پارسونز و بیلز آن را با نظریه خود در مورد کنش اجتماعی و نظام‌های اجتماعی سازگار کرده‌اند- اجتماعی شدن فرایندی است که طبق آن، کودک هنجارهای والدین را در خود نهادی می‌کند و یک «فراخود» به‌دست می‌آورد. گفته می‌شود که این امر از طریق سازوکارهای نیروگذار روانی و ارزش‌یاب و شناختی روی می‌دهد. اولی مشتمل است بر تقویت و خاموشی

## آموزش و پرورش مهم‌ترین نهاد اجتماعی شدن

نخستین نهادی که انسان در بدو تولد درون آن چشم می‌گشاید، خانواده است؛ همان خانواده‌ای که

کدهای اولیه شناخت را به انسان می‌دهد و او را برای ورود به جامعه آماده می‌کند. خانواده می‌تواند مطابق تعاریف رسمی و منطبق بر این تعاریف، یک گروه اجتماعی متشکل از یک مرد در جایگاه پدر و یک زن در جایگاه مادر و چند فرزند دیگر آنها باشد. هم‌چنین، خانواده می‌تواند تنها از یکی از این عوامل (پدر یا مادر یا پدرخوانده یا مادر خوانده یا هر انسان دیگری در این نقش) تشکیل شده باشد. حتی می‌تواند جمعی بزرگ‌تر مانند یک شیرخوارگاه یا یتیم‌خانه را شامل شود. متأسفانه در جامعه انسانی مدرن، مانند برخی کشورهای غربی، خانواده حتی می‌تواند متشکل از یک زوج هم‌جنس باشد.

در هر صورت، مادر و پدر یا کسانی در نقش آنها، اولین کسانی است که نوزاد «Newborn» را در گرفتن نخستین کدهای شناختی و کسب معرفت یاری می‌رسانند. در گام دوم در مسیر اجتماعی شدن، نهادهای متفاوتی پس از خانواده ایفای نقش می‌کنند. اما هر یک از این نهادها می‌توانند مسیرهای مختلفی را به کودک آموزش دهند که ناشی از تأثیر فرهنگ آن نهاد بر شناخت کودک است و می‌تواند نشئت گرفته از فرهنگ جامعه، خرده‌فرهنگها و حتی وضعیت خاص روانی یک شخص باشد. بنابراین این نهادها می‌توانند مسیرهای گوناگون و گاه متعارض و متضادی را به کودک القا کنند که در نهایت معرفت کسب شده توسط کودک می‌تواند از انطباق کامل با فرهنگ جامعه تا ضدیت با فرهنگ غالب، متغیر باشد.

نخستین نهادی که از سوی جامعه و با هدف اجتماعی کردن کودک ایجاد و وارد عمل می‌شود، مدرسه یا نهاد رسمی آموزش و پرورش است. نباید از یاد برد که هدف آموزش علوم یا آماجگی کودک برای علم‌آموزی و به‌عهده گرفتن مشاغل تخصصی در آینده و شرکت در نظام تقسیم کار، هدف ثانویه مدرسه خصوصاً در مدارس ابتدایی است. هدف اصلی این نهاد همان اجتماعی کردن یا آماده ساختن کودک برای حضور در جامعه و درک به موقع و هماهنگ ساختن، کارکردها و فرهنگ جامعه، به‌منظور نشان دادن عملکرد معقول، اعم از واکنشها، رفتار یا کنش، در جهت رفع نیازها و رسیدن به اهداف جمعی است. مرور اجمالی آن‌چه اصول جامعه‌شناختی نام دارد، این هدف اصلی و اساسی نهاد مدرسه را روشن‌تر می‌کند.

## ویژه‌نامه ضمن خدمت

رشد علوم اجتماعی دوره ۱۵ شماره ۱ پاییز ۱۳۹۰

۴۲

که بر پاداش و کیفر م مبتنی است و دومی متضمن تقلید و یکسان شدن است که بر پایه احساس احترام و احساس عشق استوار است. پیروان نظریه هم‌نقشی نمادین، بر نقش سخن گفتن در فرایند اجتماعی شدن تأکید می‌کنند: «کودک هنگامی اجتماعی می‌شود که توانایی ایجاد ارتباط با دیگران را پیدا کند و به مدد استفاده از گفتار بر آنان تأثیر گذارد و از آنان تأثیر پذیرد. این امر، رفتاری را در برابر موضوعهای نام‌برده ایجاب می‌کند که از لحاظ اجتماعی مورد قبول باشد.»

### اجتماعی شدن در نظریه‌های عوامل گرا و تفسیر گرا

کاربرد واژه و مفهوم اجتماعی شدن را می‌توان به امیل دورکیم نسبت داد. این مفهوم بی‌تردید در آثار جامعه‌شناختی آلمانی در پایان قرن نوزدهم، به‌ویژه در آثار گئورگ زیمل وجود دارد، اما در نوشته‌های این جامعه‌شناس فرانسوی است که می‌توان نظام‌پردازی نظری آن را یافت. به‌علاوه، این اندیشه که در جامعه‌های مدرن، آموزش‌گاه تمام و کمال در خدمت اجتماعی شدن قرار گرفته است، به میراث دورکیم تعلق دارد. این میراث به ما توضیح می‌دهد که به علت افول نهادهای سنتی مانند دین و خانواده است که مدرسه در انتقال فرهنگ و تفاوت‌گذاری اجتماعی اهمیت یافته و بر اهمیتش افزوده شده است.

«اجتماعی ساختن» یعنی هدایت و تغییر افراد؛ یعنی تبدیل فردی غیراجتماعی به موجودی اجتماعی از رهگذر القای مقوله‌های فکری و نظامی از اندیشه‌ها، باورها، سنتها و ارزشهای

اخلاقی- حرفه‌ای یا طبقاتی که پاره‌ای از آنها تغییرناپذیرند و پاره‌ای دیگر برعکس، هم‌پای آموخته‌های جدید و تجربه‌ها و اوضاع زندگی دگرگون می‌شوند. چنین تعریفی مستلزم این موارد است: بررسی گذشته و آینده زندگی افراد، برتری امر اجتماعی بر امر فردی، کاربرد زور و فشار، تقسیم قدرت و سرانجام، هدفیابی مانند ادغام فرد در جماعت‌های عقیدتی یا شناختی. اما این تعریف مقاومت افراد یا شکست نهاد آموزشی در مهار اجتماعی آنان را نفی نمی‌کند و از این لحاظ پیوندی جدایی‌ناپذیر با فرایند «گزینش» دارد. در واقع، اجتماعی شدن و گزینش دو روی واقعیتی واحدند.

همان‌گونه که ذکر شد، اجتماعی شدن برای نخستین‌بار به‌صورت یک اصطلاح معین جامعه‌شناختی در نوشته‌های دورکیم مطرح شد. اما اگر نظریه‌های جامعه‌شناسی را به‌طور کلی در دو گروه «عوامل گرا» و «تفسیر گرا» در نظر بگیریم، اجتماعی شدن نزد هر گروه مفاهیم و تعاریف خاصی پیدا می‌کند. تفسیرگرایان برعکس عوامل گرایان که اجتماعی شدن را در یک مرحله در نظر می‌گیرند، آن را در دو مرحله تعریف می‌کنند. برای مثال، هربرت بلومر اجتماعی شدن را شامل دو مرحله «یادگیری» و «اجتماعی شدن» می‌داند. **ار یک فروم** نیز به یک مرحله پیش از اجتماعی شدن (یا جامعه‌پذیری که بهتر است به جای آن «جا افتادن در جامعه» گفت) تحت عنوان «Assimilation» معتقد است. در نظر آموزش و پرورش‌گیدنز نیز، اجتماعی شدن متفاوت از جامعه‌پذیری

### ویژه‌نامه ضمن خدمت

رشد علوم اجتماعی دوره ۱۵  
شماره ۱ پاییز ۱۳۹۰

۴۳



## یک تحول مهم در علم اقتصاد پدید آمده است که ارتباط ویژه‌ای با جامعه‌شناسی و آموزش و پرورش دارد و تحت عنوان رویکرد سرمایه‌انسانی یا سرمایه‌گذاری انسانی به آموزش و پرورش شهرت یافته است

طریق «راههای مشترک»<sup>۲</sup> به اهداف جمعی یا مشترک یا توافقی<sup>۳</sup> می‌رسند و در همه حال، فرهنگ در رأس مثلث ناظر و کنترل‌کننده این سه مفهوم است. آنچه در فرایند اجتماعی شدن،

در هر جامعه‌ای در شخص درونی و نهادینه می‌شود، مفاهیم فرهنگی، نیازها و اهداف جامعه و خصوصاً راههای مجازی است که بر اثر توافق جمعی و فرهنگ ناظر بر فعالیتهای اجتماعی تعریف شده‌اند. اگر شخص تابع نهادهای اجتماعی کننده شود و این نهادها به‌طور هماهنگ، صحیح و کامل نقش خود را ایفا کنند، شخص تمامی مفاهیم فوق را می‌پذیرد و آنها را هم‌چون مفاهیم اولیه و تنها راههای ممکن درونی می‌کند و تنها در قالب آنها حرکت خواهد کرد.

از دیدگاه تفسیرگرایی، قوه‌تخیل و تفکر شخص در مرحله اجتماعی شدن فعالانه به تفهیم و ارزیابی مفاهیم می‌پردازد و اجتماعی شدن فرایندی را تشکیل می‌دهد که شخص در عین پذیرش فرهنگی، به خلاقیت و حرکت در قالب راههای مجاز و راههای جدید و ایجاد مفاهیم نو دست می‌زند. این حرکتها تکامل اجتماعی را امکان‌پذیر می‌سازند. در نظریه نظام‌مند (سیستماتیک) پارسونز، در این مرحله راههای مجاز و تعریف‌شده از سوی جامعه و نظام فرهنگی جامعه از سوی شخص گزینش می‌شوند. چه در نگاه عوامل‌گرایان و چه در نگاه تفسیرگراییان، نهادهای اجتماعی کننده نقشی بسیار مهم و غیرقابل تردید دارند. آنچه در نظریه مرتن ناهم‌نوایی نام می‌گیرد و به عدم پذیرش یکی از مفاهیم راهها یا اهداف مربوط می‌شود، در نگاهی دقیق می‌تواند به عدم کارکرد کامل و درست نهادهای اجتماعی کننده مربوط شود که از درونی کردن، جانداختن و یا تشریح و تبیین هدفمند و قابل پذیرش مفاهیم مشترک اجتماعی قاصر بوده‌اند.

از سوی دیگر، «تفکیک‌یافتگی» که در پویایی‌شناسی جامعه خود را نشان می‌دهد و می‌تواند در نظام تقسیم‌کار متبلور شود، تنها در صورتی امکان‌پذیر است که افراد جامعه لااقل بخشی از مفاهیم فرهنگی جامعه را به‌خوبی بشناسند و آنها را درونی کنند. در این صورت اشخاص می‌توانند در عین احساس امنیت، اطمینان خاطر از ایفای نقش توسط دیگر اعضای جامعه و درست عمل کردن کلیت جامعه، و اعتقاد به کارکردهای مناسب نهادهای اجتماعی، به هرچه تخصصی‌تر شدن کار خود بیندیشند و به جای رفتن در پی سطح حداقل مورد نیاز از تخصصهای متعدد، سطح بالا در یک رشته را در

است. او برای جامعه‌پذیری از واژه «Sociation» و برای اجتماعی شدن از «Socialization» استفاده می‌کند. اما چه تفاوتی میان دیدگاه‌های این دو گروه وجود دارد؟

از نظر عوامل‌گرایان و خصوصاً کارکردگرایان، «اجتماعی شدن» (درواقع اجتماعی کردن) مجموعه‌ای از تمهیدات و اعمالی است که جامعه از طریق نهادهایی خاص طراحی و اجرا می‌کند تا فرد را در خدمت جامعه درآورد و معرفت و رفتار او را با جامعه هماهنگ کند. طی فرایند جامعه‌پذیری، انسان کاملاً در قالبهای فرهنگی جامعه قرار می‌گیرد و درواقع آن را می‌پذیرد. راهکار کلی جامعه برای اجتماعی کردن فرد از طریق ترغیب، تشویق و تنبیه است و نهادهای خاصی چون نهادهای آموزشی، حمایت و تشویق رفتارهای هماهنگ با جامعه، و قوانین تنبیهی برای ممانعت از خروج انسان از هنجارهای اجتماعی، این فرایند را کنترل می‌کنند. این اعتقاد بنیادی که انسان ذاتاً شرور و متمایل به خروج از قواعد زندگی اجتماعی است، بنیاد تشویقها و تنبیهها را می‌سازد.

از دیدگاه تفسیرگراییان اما، انسان طی مرحله اول رفتارها و هنجارها را می‌آموزد و سپس با تفهیم و تفسیرگری در ذهن، آنها را می‌پذیرد یا تغییر می‌دهد به شیوه خاص خود در قالبها یا نقشهای اجتماعی موجود قرار می‌گیرد یا به شیوه خود، قالبها و نقشهای جدیدی را می‌سازد و در آنها قرار می‌گیرد. از این دیدگاه انسان توانایی تشخیص دارد و با آموختن رفتارهای اجتماعی، به‌دلیل تشخیص درستی رفتار و سودآوری رفتارهای جمعی، برای خودش آنها را درونی می‌کند و به کنش اجتماعی می‌پردازد.

بلومر نهادهای اجتماعی کننده را چنین ذکر می‌کند:

۱. خانواده و عمدتاً والدین

۲. دیگر مهم

۳. گروه هم‌سالان

۴. مدرسه و نهادهای رسمی آموزش و پرورش

۵. مجامع عمومی و مراکز گذران اوقات فراغت رسانه‌ها و

دیگر نهادهای ارتباط جمعی

آنچه طی فرایند اجتماعی شدن باید در شخص نهادینه یا درونی شود، با نگاهی به اصول و مفاهیم مؤلفه‌ها و مثلث بین اجتماعی بهتر مشخص می‌شود. طبق مثلث تبیین اجتماعی و منطبق بر اصل اول جامعه‌شناختی، «نیازهای جمعی» از

## پی‌نوشت

1. Needs
2. Collective Means
3. Collective Goals
4. mutual Implication

## منابع

۱. بیرو، آلن (۱۳۷۵). فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه دکتر باقر ساروخانی. انتشارات کیهان. تهران. چاپ سوم.
۲. شارع‌پور، دکتر محمود (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش. انتشارات سمت. تهران.
۳. شریعتمداری، دکتر علی (۱۳۸۰). اصول تعلیم و تربیت. انتشارات دانشگاه تهران. چاپ چهاردهم.
۴. علاقه‌بند، علی (۱۳۸۲). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش. نشر روان. تهران. چاپ سی و دوم.
۵. فرجاد، محمدحسین (۱۳۵۵). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش. دانشگاه تربیت‌معلم. تهران. چاپ اول.
۶. قرایی‌مقدم، دکتر امان‌الله (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش. کتاب‌خانه فروردین. تهران. چاپ دوم.
۷. قربانی، علیرضا (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش. کتاب صنوبر. تهران.
۸. کوئن، بروس (۱۳۸۰). مبانی جامعه‌شناسی. ترجمه دکتر غلامعباس توسلی و دکتر رضا فاضل. انتشارات سمت. تهران.
۹. گلشن فومنی، دکتر محمدرسول (۱۳۷۲). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش. انتشارات شیفته. تهران. چاپ اول.

نظر بگیرند و خود را از احساس نیاز به شناخت فنون و علوم متعدد بی‌نیاز احساس کنند. نهادهای اجتماعی کننده، خصوصاً نهادهای رسمی فرهنگی هم‌چون مدارس، باید در نخستین قدم خود به این مفاهیم به‌طور کامل واقف و تا حدودی معتقد باشند. اما آن‌چه در «دیالکتیک هم‌فراخوانی» یا اصل سوم جامعه‌شناختی مطرح می‌شود، خصوصاً در بحث اجتماعی شدن، درست عمل کردن و هماهنگی، همراهی و هم‌گامی تمامی نهادهای اجتماعی کننده در جامعه است. تنها همراهی تمامی این عوامل است که می‌تواند «سنتر مرکب»<sup>۴</sup> (شالوده درهم پیچیده و همراه عوامل متداخل در دیالکتیک هم‌فراخوانی) ایجاد کند. این مجموعه حاصل است که می‌تواند انجام کامل و درست فرایند اجتماعی شدن را تضمین کند و از بار آسیبها و ناهنجاریهایی که عمدتاً از تخطی از قراردادها و فرهنگ جامعه پدید می‌آیند، بکاهد.

نخستین بارقه‌ها و آثار روان‌پریشی در رفتارهای افراد ضد اجتماع یا زیرپاگذارندگان قواعد اجتماعی، اصولاً با پیشینه‌ای از کارکرد غلط نهادهای اجتماعی کننده، اعم از عملکرد غلط یک نهاد یا عدم هماهنگی میان دو یا چند نهاد، ظاهر می‌شود. توجه برنامه‌ریزی اجتماعی به این نهادها و تشخیص به موقع اشتباهات احتمالی در عملکردها، می‌تواند از میزان ناهنجاریهای آینده جامعه تا حد زیادی بکاهد.

## ویژه‌نامه ضمن خدمت

رشد علوم اجتماعی دوره ۱۵  
شماره ۱ پاییز ۱۳۹۰

۴۵

